

A comparative study of direct action in Iranian, Egyptian and French law with a focus on Iranian law

Behzad Jeihouni¹, Seyyed Mohammad Taghi Alavi^{2*}

1. MA. Student of Private Law, Faculty of Law and Social Sciences , University of Tabriz, Tabriz, Iran
2. Professor of Private Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

(Received: April 2, 2021 ; Accepted: May 30, 2021)

Abstract

Direct action is one of the grounds that legislators protect creditor rights. Following the 2016 amendments to the French Civil Code, direct action, which had long been accepted in French law ,was specified in the Civil Code. Direct action does not have a clear legal status in Iranian law, but it has been analyzed by jurists in Egyptian and French law. The purpose of a comparative study of direct action in the first place is to clarify its theoretical aspect in Iranian law to be considered in the amendments to the Iranian Civil Code. Secondly, the practical aspect of this legal institution, as mentioned in Egyptian law, is important. Because the direct-action mechanism can reduce the prolongation of the trial and , consequently, reduce the volume of litigation. Under Iranian law, as in Egyptian and French law, the practical aspect of direct action can be provided by anticipating this legal institution in a lease, tax evasion lawsuits, alimony lawsuits ,and other cases that are challenging for the judiciary. This will be an effective shortcut for both the beneficiary and the judiciary.

Keywords

Direct action , Main debtor, Sub-debtor, Iranian law, French and Egyptian law.

* Corresponding Author, Email: alavi@tabrizu.ac.ir

مطالعه تطبیقی دعوای مستقیم در حقوق ایران و مصر و فرانسه با محوریت حقوق ایران

بهزاد جیهونی^۱، سید محمدتقی علوی^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۲. استاد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹)

چکیده

دعوای مستقیم یکی از اسباب حمایت قانون‌گذاران از حقوق طلبکار محسوب می‌شود. دعوای مستقیم از مدت‌ها قبل در حقوق فرانسه پذیرفته شده بود و پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه به صورت صریح در قانون مدنی نیز پیش‌بینی شد. دعوای مستقیم در حقوق ایران وضعیت حقوقی روشنی ندارد. اما در حقوق مصر و فرانسه حقوقدانان آن را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. هدف از مطالعه تطبیقی دعوای مستقیم در وهله اول روشن شدن جنبه تئوریک آن در حقوق ایران بود تا در اصلاحات قانون مدنی ایران بدان توجه شود. در وهله دوم نیز جنبه عملی این نهاد حقوقی، همان‌طور که در حقوق مصر به آن اشاره شده، حائز اهمیت است. چون مکانیسم دعوای مستقیم باعث کاهش اطاله دادرسی و به تبع آن کاهش حجم دعوای می‌شود. در حقوق ایران نیز همانند حقوق مصر و فرانسه می‌توان با پیش‌بینی دعوای مستقیم در عقد اجاره، دعوای اجتناب مالیاتی، دعوای مطالبه نفقه، و سایر دعوای که از نظر کثرت برای دستگاه قضایی چالش‌هایی را ایجاد کرده‌اند جنبه عملی دعوای مستقیم را محقق ساخت. این امر راهی میان‌بر و مؤثر برای ذی‌نفع دعوای دستگاه قضایی خواهد بود.

کلیدواژگان

بدهکار اصلی، بدهکار فرعی، حقوق ایران، حقوق فرانسه و مصر، دعوای مستقیم.

* رایانامه نویسنده مسئول: alavi@tabrizu.ac.ir

مقدمه

طلبکاران بدون وثیقه همواره در معرض سوءنیت بدهکار خود قرار دارند و نگران آن‌اند که آیا در سررسید طلبشان پرداخت خواهد شد یا با بدهکاری روبه‌رو می‌شوند که دارایی او کفاف پرداخت دیون وی را نمی‌کند. قانون‌گذاران کشورهای مختلف همواره بر این موضوع واقف بوده و اقداماتی قابل دسترس برای حمایت از طلبکاران بدون وثیقه پیش‌بینی کرده‌اند. با نگاهی به حقوق فرانسه و مصر می‌توان دریافت که یکی از این اقدامات قابل دسترس اقامه دعوی مستقیم^۱ از سوی طلبکار است. این دعوا با توجه به مکانیسم خاص خود استثنائی بر اصل نسبی بودن اثر قراردادهای محسوب می‌شود. چون شخص طلبکار بر بدهکار مدیون خود اقامه دعوا می‌کند. به عبارت دیگر، در رابطه قراردادی بدهکار خود با شخص ثالث دخالت می‌کند.

در حقوق کشورهای مصر و فرانسه، حقوقدانان دعوی مستقیم را تجزیه و تحلیل کرده‌اند و این موضوع در این کشورها وضعیت حقوقی روشنی دارد. حقوق ایران نیز با دعوی مستقیم چندان بیگانه نیست و مصادیقی از این دعوا در قوانین ایران نیز قابل مشاهده است. اما برخلاف حقوق کشورهای یادشده وضعیت حقوقی دعوی مستقیم در حقوق ایران چندان روشن نیست و آن‌طور که باید بدان پرداخته نشده است. طرح تطبیقی این بحث، هم از نظر تئوری هم از نظر عملی، مهم است. از نظر تئوریک ارائه تعریفی جامع از دعوی مستقیم، تطبیق اقسام این دعوا در حقوق فرانسه با مصادیق موجود در حقوق ایران، بیان شرایط و آثار، و همچنین بررسی قلمرو و ماهیت این دعوا در حقوق تعهدات ایران به دلیل فقدان بحث تفصیلی حائز اهمیت است.

از نظر عملی هرچند دعوی مستقیم نهادی است که در حقوق تعهدات مورد بررسی قرار می‌گیرد، فواید و مصادیق دعوی مستقیم است که باعث می‌شود در آیین دادرسی مدنی نیز تأثیرگذار باشد با این توضیح که یکی از فواید دعوی مستقیم، که در حقوق مصر به آن اشاره شده، کاهش اطاله دادرسی است (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۸۳). مثلاً اگر شخص طلبکاری علیه بدهکار خود طرح دعوا کند، پس از طی تشریفات آیین دادرسی مدنی و متعاقب آن اجرای احکام مدنی، شاید محکوم علیه مالی داشته باشد و دین خود را ادا کند و در غیر این صورت محکوم‌له باید به

۱. دعوی المباشرة / action directe

دنبال طلب یا مالی باشد که محکوم علیه نزد شخص ثالث دارد و با توقیف آن در نهایت به خواسته خود برسد. برای وکلا و قضات محترم که در عمل با قواعد حقوقی سروکار دارند توضیح طولانی بودن این شیوه طرح دعوا اطاله کلام است؛ در حالی که در دعوای مستقیم طلبکار از ابتدا سراغ شخص ثالث یا همان بدهکار فرعی^۱ می رود که مالی نزد وی وجود دارد.

در حقوق مصر به رغم اشاره به موضوع یادشده مصادیق محدودی برای دعوای مستقیم پیش‌بینی شده است. اما در حقوق فرانسه، با وجود مصادیق فراوان برای دعوای مستقیم، از کاهش اطاله دادرسی سخنی به میان نیامده است و به اندازه‌ای در شناسایی مصادیق جدید دعوای مستقیم پیش‌رفته‌اند که مؤسسات بهداشت عمومی در برابر بدهکاران بیمارستان بستری در بیمارستان حق اقامه دعوای مستقیم را برای وصول هزینه‌های مربوطه دارند (Flour et al. 2015: 103). در تحقیق حاضر سعی شده به جنبه‌های تئوریک و عملی موضوع اشاره شود تا اهمیت موضوع و نقش مثبتی که دعوای مستقیم می‌تواند در حفظ حقوق طلبکاران داشته باشد روشن شود.

تعریف دعوای مستقیم

در حقوق ایران در مواد قانونی تعریفی از دعوای مستقیم ارائه نشده است. اما برخی حقوقدانان آن را به حقی تعبیر کرده‌اند که طلبکار بی‌واسطه بر مدیون بدهکار خود پیدا می‌کند (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۳). در حقوق مصر نیز تعریفی در مواد قانونی ارائه نشده و حقوقدانان دعوای مستقیم را به دعوایی تعبیر کرده‌اند که به وسیله آن طلبکار اقامه‌کننده دعوای مستقیم به مثابه طلبکار بدهکار فرعی تلقی می‌شود (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۷۸). برخی نیز آن را اقدامی قانونی می‌دانند که به طلبکار اجازه می‌دهد به نام و به حساب خود مستقیم از بدهکار فرعی درخواست پرداخت طلب بدهکار اصلی را کند (سعد ۱۹۹۸: ۱۳۶). در حقوق فرانسه به رغم ارائه تعریف در قانون مدنی فرانسه این تعریف کامل نیست. گفتنی است تا قبل از اصلاح بخش حقوق تعهدات قانون مدنی فرانسه در ۱۰ فوریه سال ۲۰۱۶ تعریفی از دعوای مستقیم در قانون مدنی وجود نداشت. اما، بعد از اصلاح قانون

۱. منظور از بدهکار فرعی همان بدهکار مدیون یا بدهکار بدهکار (کسی که به بدهکار اصلی مدیون است) است و بدهکار اصلی نیز شخصی است که دارنده حق اقامه دعوای مستقیم از وی طلبکار است.

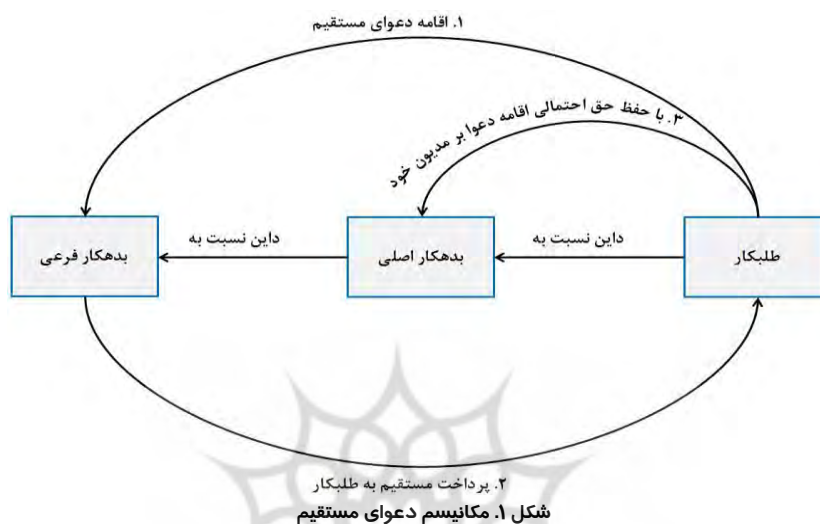
مدنی، ماده ۳ - ۱۳۴۱ این دعوا را چنین تعریف کرده است: «در موارد معین در قانون، طلبکار می‌تواند مستقیم به منظور پرداخت مطالبه خود در مقابل بدهکار خود (بدهکار فرعی) اقدام کند» (Cabrillac 2016: 405). حقوقدانان فرانسوی نیز این دعوا را به دعوایی تعبیر می‌کنند که شخص طلبکار به نام و به حساب خود بر بدهکار فرعی اقامه می‌کند (Terré et al. 2005: 1131) که این حق اقامه دعوا مطابق با همان حقی است که بدهکار اصلی در برابر بدهکار فرعی دارد (Flour et al. 2015: 102).

برای ارائه تعریفی جامع از دعوای مستقیم، علاوه بر موارد یادشده، اشاره‌ای اجمالی به برخی از ویژگی‌ها و آثار این دعوا ضروری است. اولاً در دعوای مستقیم حاصل دعوا بدون اینکه وارد دارایی بدهکار اصلی شود به صورت مستقیم از دارایی بدهکار فرعی وارد دارایی طلبکار می‌شود و قید «مستقیم» در این دعوا هم بیان‌کننده همین موضوع است (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۳). مثلاً اگر شخص «الف» یک میلیون تومان به شخص «ب» بدهکار باشد و شخص «ج» هم معادل همین مبلغ را به شخص «الف» بدهکار باشد، شخص «ب» می‌تواند با اقامه دعوی مستقیم علیه شخص «ج» این مبلغ را مطالبه کند. ثانیاً دعوای مستقیم استثنایی بر دو اصل نسبی بودن قراردادها (Cabrillac 2016: 405) و اصل تساوی میان طلبکاران است (السنهوری ۱۳۹۱: ۷۷۵). ثالثاً طلبکار اقامه‌کننده دعوی مستقیم حق احتمالی اقامه دعوی خود علیه بدهکار اصلی را از دست نمی‌دهد (Buffelan-Lanore et al. 2010: 107). منظور از حق احتمالی اقامه دعوا بر بدهکار اصلی این است که اگر طلبکار در دعوای مستقیم به نتیجه‌ای نرسد می‌تواند بر بدهکار اصلی اقامه دعوا کند. به عبارت دیگر اقامه دعوی مستقیم بر بدهکار فرعی حق اقامه دعوا بر بدهکار اصلی را ساقط نمی‌کند.

بنابراین، با توجه به تعاریف ارائه‌شده در حقوق کشورهای یادشده و موارد اشاره‌شده، به نظر می‌رسد می‌توان دعوی مستقیم را چنین تعریف کرد: روش فوق‌العاده‌ای^۱ که به طلبکار حق می‌دهد تا علیه بدهکار فرعی به نام و حساب خود اقامه دعوا کند که این حق مطابق حق اقامه دعوی بدهکار اصلی بر بدهکار فرعی است و در نتیجه آن حاصل دعوا به صورت مستقیم وارد

۱. منظور از فوق‌العاده بودن این روش عادی نبودن آن است. چون استثنایی بر دو اصل مهم نسبی بودن قراردادها و تساوی بین طلبکاران عادی است.

دارایی طلبکار اقامه‌کننده دعوا می‌شود، با این امتیاز که طلبکار اقامه‌کننده دعوی مستقیم حق احتمالی اقامه دعوی خود علیه بدهکار اصلی را نیز حفظ می‌کند.



ویژگی‌های دعوی مستقیم

دعوی مستقیم استثنائی بر دو اصل مهم نسبی بودن اثر قراردادهای و اصل تساوی میان طلبکاران است؛ با این توضیح که اصل نسبی بودن قراردادهای اعلام می‌کند اساساً آثار قرارداد بین طرفین و به تبع ایشان بین قائم‌مقام آن‌ها جریان می‌یابد (شهیدی ۱۳۹۸: ۱۰۹). ماده ۲۳۱ قانون مدنی ایران در خصوص اصل نسبی بودن قراردادهای اعلام می‌کند: «معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم‌مقام قانونی آن‌ها مؤثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶». از این ماده استنباط می‌شود که این اصل استثنای پذیر است (کاتوزیان ۱۳۹۵: ۲۴۲ - ۲۴۳). بدیهی است بستن کاران جزء اشخاص ثالث هستند (شعاریان و ترابی ۱۳۹۵: ۴۲۴). پس در دعوی مستقیم، که طلبکار اجازه دخالت در رابطه قراردادی بدهکار اصلی و فرعی را پیدا می‌کند، این دعوا استثنائی بر اصل نسبی بودن اثر قراردادهای است. در حقوق مصر نیز این چنین است (سعد ۱۹۹۸: ۱۳۷) و در زمینه اثر عقد نسبت به اشخاص ثالث به این دعوا اشاره شده است (السنهوری ۲۰۰۰: ۶۱۴). چون به شخص ثالث اجازه می‌دهد طلب خود را از بدهکار فرعی مطالبه کند (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۸۱).

در حقوق فرانسه نیز به این موضوع اشاره شده است (Flour et al. 2015: 104). حتی در طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه، موسوم به طرح کاتالا^۱، دعوی مستقیم در بخش آثار قرارداد نسبت به شخص ثالث و ذیل عنوان اقدامات قابل دسترس برای طلبکاران مطرح شده است (شعاریان و ترابی ۱۳۹۵: ۴۲۵).

همچنین دعوی مستقیم در حقوق فرانسه (Flour et al. 2015: 104) و حقوق مصر (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۷۸) استثنایی بر اصل تساوی میان طلبکاران تلقی می‌شود. چون با موفقیت طلبکار اقامه‌کننده دعوی مستقیم حاصل دعوا به صورت مستقیم از دارایی بدهکار فرعی وارد دارایی وی می‌شود و حق تقدمی را برای طلبکار نسبت به سایر طلبکاران ایجاد می‌کند.

همان‌طور که در موضوع قبل نیز اشاره شد، اقامه دعوی مستقیم علیه بدهکار فرعی حق اقامه دعوا علیه بدهکار اصلی را از طلبکار سلب نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، اقامه دعوی مستقیم امری اختیاری است که در حقوق ایران (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۷) و فرانسه (Buffelan-Lanore et al. 2010: 107) به آن اشاره شده است.

اقسام دعوی مستقیم

در حقوق فرانسه دعوی مستقیم سه تقسیم‌بندی کلی دارد که این تقسیم‌بندی در حقوق ایران و مصر وجود ندارد. با بیان اقسام دعوی مستقیم در حقوق فرانسه، مثال‌هایی برای انواع آن از حقوق ایران نیز ذکر خواهد شد.^۲

دعوی مستقیم پرداخت و مسئولیت^۳

دعوی مستقیم پرداخت به دعوی مستقیمی اطلاق می‌شود که طلبکار عمل به موضوع تعهد را، که غالباً پرداخت مبلغ معینی پول است، از بدهکار فرعی به موجب قانون درخواست می‌کند؛ که دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر در حقوق فرانسه از این نوع دعواست (Terré et al. 2005: 1137). دعوی مستقیم مسئولیت نیز دعوی مستقیمی است که شخص زیان‌دیده بر شخص دیگری طرح

1. Catala project

۲. مشروح مصادیق دعوی مستقیم در حقوق ایران، فرانسه، و مصر در مباحث آتی مطرح خواهد شد.

3. actions directes en paiement ou en responsabilité

می‌کند که با وی رابطه مستقیم ندارد؛ به عبارت دیگر ما در صورت توالی قراردادها یا فروش‌های متوالی با چنین حالتی مواجه می‌شویم، مثل ماده ۱ - ۱۶۴۶ قانون مدنی فرانسه در خصوص اقدامات خریدار علیه سازنده ساختمان (Terré et al. 2005: 1137). در حقوق ایران نیز ماده ۳۰ قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ از جمله دعوی مستقیم پرداخت است. چون زیان دیده، با مراجعه به بیمه‌گر یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، پرداخت خسارت را به طور مستقیم از آن‌ها مطالبه می‌کند. همچنین تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون کار نیز از جمله دعوی مستقیم است.

در خصوص دعوی مستقیم مسئولیت نیز با توجه به تولید و عرضه کالا مشخص است برای اینکه کالا به دست مصرف‌کننده برسد شاهد توالی قراردادها هستیم که قرارداد اول بین تولیدکننده و عرضه‌کننده و قرارداد دوم بین عرضه‌کننده و مصرف‌کننده است که اگر از مصرف کالا به مصرف‌کننده زیانی برسد، وی می‌تواند مطابق ماده ۲ و بند ۲ ماده ۱ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ مستقیم به تولیدکننده آن کالا، که رابطه مستقیم با وی ندارد، رجوع کند.

دعوی مستقیم عمومی و اختصاصی^۱

دعوی مستقیم عمومی به دعوی اطلاق می‌شود که به دارنده حق اقامه دعوی مستقیم این اجازه را می‌دهد که برای رسیدن به طلب خود علیه هر بدهکار فرعی که به بدهکار اصلی مدیون است اقامه دعوا کند (Terré et al. 2005: 1136). به عبارت دیگر در این نوع از دعوی مستقیم ما با محدودیت مراجعه به بدهکار فرعی خاصی مواجه نیستیم و به هر یک از بدهکاران فرعی می‌توانیم رجوع کنیم. در حقوق فرانسه مثال بسیار جالبی برای دعوی مستقیم عمومی وجود دارد و آن عبارت است از ماده ۱۹۲۲ قانون مالیات عمومی که به ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مالیاتی انتقال یافته است (Henry et al. 2005: 1986) و به خزانه‌داری عمومی این اختیار را می‌دهد که برای وصول مالیات، علیه هر یک از بدهکاران مؤدی مالیاتی اقامه دعوا نماید (Terré et al. 2005: 1135). همچنین، طبق ماده ۱ - ۲۱۳ قانون آیین دادرسی اجرای احکام مدنی فرانسه، طلبکار نفقه می‌تواند علیه هر یک از بدهکاران فرعی اقدام به اقامه دعوی مستقیم کند (Cabrillac 2016: 406).

حتی، طبق ماده ۱۱ - ۶۱۴۵ قانون بهداشت عمومی فرانسه، مؤسسات بهداشت عمومی در برابر بدهکاران بیماران بستری در بیمارستان حق اقامه دعوی مستقیم را برای وصول هزینه‌های مربوطه دارند (Flour et al. 2015: 104).

در حقوق ایران مصداقی برای دعوی مستقیم عمومی وجود ندارد و چنین حقی برای سازمان امور مالیاتی یا طلبکار نفقه پیش‌بینی نشده است. اما، می‌توان با پیش‌بینی دعوی مستقیم عمومی حسب مورد در قوانین مالیاتی یا سایر قوانین مرتبط با خانواده علیه کسانی که از پرداخت مالیات یا نفقه استنکاف می‌کنند اقدامی مؤثر انجام داد.

دعوی مستقیم اختصاصی عکس دعوی مستقیم عمومی است و فقط می‌توان علیه بدهکار فرعی خاص و برای وصول طلب خاص اقامه دعوی مستقیم کرد (Terré et al. 2005: 1136); مثل ماده ۱۷۵۳ قانون مدنی فرانسه در خصوص دعوی مستقیم موجر علیه مستأجر دوم (Starck et al. 1989: 235). گفتنی است اکثر دعاوی مستقیم از نوع اختصاصی‌اند و دعوی مستقیم عمومی قلمرو محدودتری دارند (Terré et al. 2005: 1136).

در حقوق ایران ماده ۱۷۴ قانون تجارت که اعلام می‌کند: «... هر یک از طلبکاران شرکت می‌تواند به هر یک از شرکای سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نماید...» مثالی برای دعوی مستقیم اختصاصی است. گفتنی است در مثال یادشده حتی اگر شرکای سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت‌اند متعدد باشند، باز هم نمی‌توان آن را مثالی برای دعوی مستقیم عمومی محسوب کرد. چون طلبکاران شرکت فقط حق رجوع به سهامدارانی از شرکت را دارند که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت‌اند نه همه بدهکاران شرکت.

رجوع زیان‌دیده به بیمه‌گر واردکننده زیان نیز از مصادیق دعوی مستقیم اختصاصی است. چون مطالبه خسارت واردشده در این مورد یک طلب خاص است و آن را از بدهکار فرعی خاص که بیمه‌گر است مطالبه می‌کند.

دعوی مستقیم کامل و ناقص^۱

دعوی مستقیم کامل به دعوی اطلاق می‌شود که در زمان تحقق دین بدهکار فرعی نسبت به بدهکار اصلی یا به عبارت دیگر در زمان تحقق طلب برای بدهکار اصلی این طلب به نفع دارنده حق اقامه دعوی مستقیم نزد بدهکار فرعی توقیف می‌شود (Terré et al. 2005: 1136). مثال بارز این مورد در حقوق فرانسه در قانون بیمه و در بخش بیمه مسئولیت در ماده ۳ - ۱۲۴ آمده است، که مطابق این ماده بیمه‌گر تا زمانی که خسارت وارده به زیان‌دیده را پرداخت نکرده نمی‌تواند همه یا بخشی از مبلغ بدهی را که به بیمه‌گذار دارد به شخصی غیر از زیان‌دیده که همان دارنده حق اقامه دعوی مستقیم است پرداخت کند (Terré et al. 2005: 1136). در حقوق مصر نیز به این موضوع اذعان شده است. اما به کامل بودن چنین دعوی مستقیمی اشاره نشده است (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۹۴). به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز با توجه به تبصره ۲ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، مصوب ۱۳۹۵، که بیمه‌گر را در صورت بروز حادثه مکلف به پرداخت خسارات وارد شده می‌داند و ماده ۳۲ آن قانون که بیمه‌گر را مکلف کرده ظرف مدت بیست روز از تاریخ قطعی شدن مبلغ خسارت آن را به خود زیان‌دیده پرداخت کند و در صورت عدم مراجعه وی در مهلت یادشده نزد صندوق تأمین خسارت‌های بدنی تودیع و قبض و اریز را به مرجع قضایی مربوط تحویل دهد می‌توان بر این نظر بود که این مورد می‌تواند مثالی برای دعوی مستقیم کامل در حقوق ایران باشد.

دعوی مستقیم ناقص نیز عکس دعوی مستقیم کامل است و طلب بدهکار اصلی به نفع دارنده حق اقامه دعوی مستقیم نزد بدهکار فرعی توقیف نمی‌شود، مگر در صورتی که دارنده این حق علیه بدهکار فرعی دعوی مستقیم را اقامه کند. مثال این مورد در حقوق فرانسه ماده ۱۹۲۲ قانون مالیات عمومی فرانسه است که قبلاً توضیح داده شد. اما ذکر این نکته ضروری است که طلب مالیات‌دهنده زمانی به نفع خزانه‌داری عمومی توقیف می‌شود که خزانه‌داری عمومی علیه بدهکار فرعی اقامه دعوا کرده باشد (Terré et al. 2005: 1137).

شرایط اقامه دعوی مستقیم

در خصوص شرایط اقامه دعوی مستقیم قوانین مربوطه در حقوق فرانسه و مصر ساکت‌اند و در آثار حقوقدانان نیز مستقلاً به این موضوع اشاره‌ای نشده است. اما به صورت پراکنده و در میان سایر مباحث مواردی یاد شده است؛ با این توضیح که در حقوق مصر برای طرح دعوی مستقیم اولاً باید نص صریح قانونی وجود داشته باشد، چون دعوی مستقیم استثنایی بر دو اصل نسبی بودن قراردادها و تساوی بین طلبکاران است و اجازه طرح آن فقط در مواردی وجود دارد که در قانون پیش‌بینی شده است (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۸۰)، ثانیاً به متنازع‌فیه نبودن و قابل پرداخت بودن طلب طلبکار نیز در حقوق مصر اشاره شده است (سلطان ۱۹۷۴: ۱۱۳). در حقوق فرانسه علاوه بر وجود نص صریح قانونی (Cabrillac 2016: 405) و قابل پرداخت بودن طلب (Terré et al. 2005: 1139) بدهکار اصلی باید طلبکار بدهکار فرعی باشد تا به تبع آن دارنده حق اقامه دعوی مستقیم بتواند علیه بدهکار فرعی اقامه دعوا کند (Buffelan-Lanore et al. 2010: 107). البته وجود رابطه دین و مدیونی بین طلبکار اقامه‌کننده دعوا و بدهکار اصلی نیز حائز اهمیت است.

علاوه بر موارد یادشده، در حقوق مصر یکی از شروط اقامه دعوی مستقیم عبارت است از اینکه پیوند یا ارتباط مشترکی بین تعهد بدهکار اصلی و فرعی با تعهد بین بدهکار اصلی و طلبکار وی وجود داشته باشد و این ارتباط یا پیوند مشترک زمانی تحقق می‌یابد که موضوع تعهد بین بدهکار اصلی و فرعی با موضوع تعهد بین طلبکار و بدهکار اصلی یکسان باشد (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۸۲). در همه مصادیق دعوی مستقیم در حقوق مصر اعم از عقد اجاره، مقاوله، وکالت، و بیمه این امر صادق است. مثلاً در عقد اجاره موجر که همان طلبکار اقامه‌کننده دعوی مستقیم است با بدهکار اصلی که مستأجر اول است عقد اجاره منعقد کرده است و بدهکار فرعی که مستأجر دوم است (مستأجر جزء) با مستأجر اول عقد اجاره منعقد کرده است و بین این قراردادها ارتباطی وجود دارد که ناشی از یکسان بودن موضوع قرارداد است (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۸۲). در حقوق فرانسه به این موضوع تصریح نشده است. اما در بعضی از مصادیق این دعوا، مثل مصداق آن در عقد اجاره، این شرط قابل استنباط است. البته در برخی از مصادیق آن وجود شرط ارتباط بین تعهدها لازم نیست؛ مثل دعوی مؤسسات بهداشت عمومی علیه بدهکاران بیمارستان بستری در

بیمارستان (Flour et al. 2015: 103). به عبارت دیگر در برخی از مصادیق دعوای مستقیم در حقوق فرانسه این شرط لازم است؛ اما در برخی از مصادیق این شرط لازم نیست. در حقوق ایران نیز مانند کشورهای مورد بحث به وجود نص قانونی برای چنین دعوایی و محقق و قابل پرداخت بودن طلب اشاره شده است (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۷). در حقوق ایران، مانند حقوق فرانسه، در برخی از مصادیق دعوای مستقیم وجود پیوند یا ارتباط مشترک بین تعهد بدهکار اصلی و بدهکار فرعی با تعهد بین بدهکار اصلی و طلبکار لازم است؛ مثل ماده ۱۳ قانون کار که مشابه ماده ۶۶۲ قانون مدنی مصر است. اما در برخی از مصادیق وجود این شرط لازم نیست؛ مثل ماده ۱۷۴ قانون تجارت. البته باید به این موضوع نیز توجه کرد که چون دعوای مستقیم دعوا به مفهوم اخص آن، یعنی حق مراجعه به مراجع صالح برای احقاق حق، است باید دارای شرایط عمومی اقامه دعوا مانند سایر دعوای نیز باشد. این شرایط عبارت‌اند از نفع، سمت در صورت اقامه دعوا به نمایندگی از طرف اصیل، و داشتن اهلیت (شمس ۱۳۹۵: ۲۸۲). گفتنی است این دعوا باید از جانب طلبکار بر بدهکار فرعی و با در نظر گرفتن صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها مطرح شود. در برخی از مصادیق دعوای مستقیم در حقوق ایران، مثل ماده ۱۳ قانون کار، ذکر دو نکته ضروری است. اولاً مطالبه اولیه طلب از بدهکار اصلی ضروری است و کارگران ابتدا برای وصول طلب خود باید به پیمانکار مراجعه کنند و در صورت عدم پرداخت به کارفرما رجوع کنند (عراقی ۱۳۹۶: ۱۴۰ - ۱۴۱)؛ اما در دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر بدون مراجعه اولیه به بیمه‌گذار نیز می‌توان به بیمه‌گر رجوع کرد (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۷). ثانیاً مرجع صالح برای رسیدگی به دعوای مستقیم در حقوق ایران با توجه به مصادیق آن، که در مباحث آتی ذکر خواهد شد، اصولاً دادگاه عمومی حقوقی است؛ اما در مواردی مثل ماده ۱۳ قانون کار شرایط متفاوت است و باید طبق ماده ۱۵۷ آن قانون عمل کرد.

قلمرو دعوای مستقیم

با توجه به این موضوع که دعوای مستقیم در مواردی اجازه طرح دارند که به موجب نص صریح قانون پیش‌بینی شده باشند، این دعوای قلمروی محدود دارند. اما در حقوق مصر این قلمرو به دلیل وجود شرط پیوند یا ارتباط مشترک بین تعهد بدهکار اصلی و فرعی با تعهد بین بدهکار

اصلی و طلبکار محدودتر از حقوق ایران و فرانسه است. به عبارت دیگر، قلمرو اعمال دعوی مستقیم در حقوق ایران و فرانسه از حقوق مصر گسترده است.

ماهیت دعوی مستقیم

در خصوص ماهیت دعوی مستقیم در حقوق فرانسه حقوقدانان ماهیت این دعوا را امتیاز قانونی می‌دانند. چون به دلیل استثنا بودن این دعوا نسبت به دو اصل یادشده فقط با اجازه قانون در هر مورد خاص می‌توان این دعوا مطرح کرد (Flour et al. 2015: 105). در حقوق مصر نیز درباره ماهیت این دعوا به نظریه امتیاز قانونی در حقوق فرانسه اشاره شده است (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۸۹) و بر آنند که ماهیت این دعوا با نهادهای سستی، نظیر حواله و وکالت، قابل توجیه نیست (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۸۶). برای تبیین این مطلب (عدم قابلیت توجیه ماهیت این دعوا با نهادهای سستی) به تحلیل این نهادها در خصوص دعوی مستقیم در حقوق ایران می‌پردازیم.

اولاً در تحلیل ماهیت حقوقی دعوی مستقیم نمی‌توان قائل به نظریه نمایندگی شد که مثال بارز آن وکالت است. چون نمایندگی یعنی شخصی تحت عنوان نماینده در انجام دادن یک عمل حقوقی به نام و به حساب شخص دیگر اقدام کند، طوری که آثار آن عمل حقوقی به صورت مستقیم متوجه آن فرد باشد نه نماینده (بیات و بیات ۱۳۹۶: ۱۲۸)؛ درحالی‌که در دعوی مستقیم با عکس این قضیه مواجهیم و شخص طلبکار دعوا را به نام و حساب خود اقامه می‌کند و اثر این عمل مستقیم به خود وی می‌رسد، هرچند آثار غیرمستقیمی را هم برای بدهکار اصلی و فرعی دارد.

ثانیاً ماهیت حقوقی دعوی مستقیم با تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مدیون نیز قابل توجیه نیست. چون در تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مدیون، صرف‌نظر از اینکه با موافقت مدیون باشد یا بدون موافقت وی، شخصی متعهد می‌شود که دین را به جای مدیون به شخص طلبکار بپردازد، به عبارت دیگر شخص ثالثی جایگزین مدیون می‌شود (امامی ۱۳۹۷: ۳۹۶) و طلبکار در صورت قبول تبدیل تعهد فقط حق رجوع به وی را خواهد داشت؛ درحالی‌که در دعوی مستقیم همان‌طور که قبلاً بیان شد طلبکار مختار است به هر یک از بدهکاران، اصلی یا فرعی، رجوع کند (Buffelan-Lanore et al. 2010: 108). همچنین تبدیل تعهد خود ماهیت قراردادی دارد (بیات و بیات ۱۳۹۶: ۲۰۸) و بدون شک نیازمند ایجاب و قبول است؛ اما در دعوی مستقیم شاهد چنین وضعیتی نیستیم.

ثالثاً ماهیت این دعوا با عقد حواله نیز قابل توجیه نیست. زیرا طبق ماده ۷۳۰ قانون مدنی «پس از تحقق حواله ذمه محیل از دینی که حواله داده بری و ذمه محال علیه مشغول می‌شود» و انتقال دین صورت می‌گیرد و ایراداتی که در خصوص تبدیل تعهد بیان شد در حواله هم وارد است. رابعاً با اینکه ماهیت حقوقی دعوای مستقیم بسیار مشابه قائم مقامی است، مثلاً طلبکار دعوای مستقیم را مانند قائم مقام به نام و به حساب خود اقامه می‌کند (کاتوزیان ۱۳۹۵: ۲۵۲)، از این جهت با قائم مقامی متفاوت است که وضعیت طلبکار با وراثت، که قائم مقام محسوب می‌شوند، قابل قیاس نیست. چون وراثت زندگی حقوقی مورث را ادامه می‌دهند؛ درحالی‌که طلبکار روبه‌روی بدهکار است. پس باید او را ثالثی در نظر گرفت که به دلیل حمایت قانون‌گذار از وی و موقعیت ناشی از قرارداد وضعی ویژه پیدا کرده است (کاتوزیان ۱۳۹۵: ۲۵۲). البته برخی طلبکار را در مواردی قائم مقام بدهکار فرض می‌کنند و او را جانشین وی در همه حقوق و وظایف بدهکار می‌دانند، مثل ورشکستگی (شهیدی ۱۳۹۸: ۱۱۱)؛ درحالی‌که در دعوای مستقیم همان‌طور که قبلاً گفته شد طلبکار صرفاً همان حق اقامه دعوا را دارد که بدهکار اصلی در مقابل بدهکار فرعی دارد (Flour et al. 2015: 102). به عبارت دیگر، طلبکار جانشین بدهکار اصلی در اعمال حق دعوا علیه بدهکار فرعی است نه اینکه جانشین بدهکار اصلی در همه حقوق و وظایف او باشد. پس جانشینی طلبکار مانند قائم مقام گستره وسیعی ندارد و صرفاً جانشین بدهکار اصلی در اقامه دعواست. با توجه به موارد یادشده به نظر می‌رسد ماهیت دعوای مستقیم در حقوق ایران نیز مانند حقوق کشورهای مصر و فرانسه امتیاز قانون باشد.

ماهیت طلب از بدهکار اصلی و فرعی در دعوای مستقیم

علاوه بر ماهیت دعوای مستقیم اقامه شده از سوی طلبکار علیه بدهکار فرعی، ماهیت طلب از بدهکار اصلی و بدهکار فرعی نیز قابل بررسی است و در این خصوص نمی‌توان به طور قطع اظهار نظر کرد که طلب از بدهکار اصلی و فرعی دارای ماهیت قراردادی است یا غیرقراردادی، بلکه باید به مصداقی که مورد بررسی قرار می‌گیرد توجه کرد. مثلاً در حقوق فرانسه و مصر دعوای مستقیم در عقد اجاره پیش‌بینی شده که موجر (طلبکار) از مستأجر اول (بدهکار اصلی) بابت اجور معوقه طلبکار است و مستأجر اول نیز از مستأجر دوم (بدهکار فرعی) بابت اجور معوقه طلبکار

است که ماهیت هر دو طلب در این مورد قراردادی است. اما در دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر، طلب زیان‌دیده (طلبکار) از واردکننده زیان (بدهکار اصلی) دارای ماهیت غیرقراردادی است؛ در حالی که ماهیت طلب واردکننده زیان از بیمه‌گر (بدهکار فرعی) قراردادی است.

مصادیق دعوی مستقیم

در حقوق مصر

مصدق اول این دعوا در حقوق مصر ماده ۵۹۶ قانون مدنی مصر است و فرضی را بیان می‌کنند که مستأجر اول مورد اجاره را به شخص دیگری اجاره می‌دهد و موجر می‌تواند برای وصول اجاره‌بها در حدود مبلغی که مستأجر دوم به مستأجر اول بدهکار است علیه مستأجر دوم اقامه دعوی مستقیم کند (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۷۷ - ۱۷۸).

مصدق دوم در خصوص عقد معاوله است که در ماده ۶۶۲ قانون مدنی مصر به آن اشاره شده است و به پیمانکاران فرعی و کارگران پیمانکار اصلی اجازه طرح دعوی مستقیم علیه کارفرما را، در حد مبالغی که پیمانکار اصلی در زمان طرح این دعوا از وی (کارفرما) طلبکار است، می‌دهد (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۷۸). همچنین کارگران پیمانکاران فرعی نیز اجازه طرح چنین دعوایی را علیه پیمانکار اصلی دارند (سلطان ۱۹۷۴: ۱۱۶).

مصدق سوم این دعوا نیز در عقد وکالت و در ماده ۷۰۸ قانون مدنی مصر پیش‌بینی شده است (سعد ۱۹۹۸: ۱۳۹). طبق بند ۱ ماده ۷۰۸ قانون مدنی مصر «وکیلی که بدون داشتن اختیار شخص دیگری را به نیابت از خود برای انجام دادن وکالت تعیین کند مسئول اعمال نماینده، که گویی عمل خود اوست، خواهد بود. در چنین حالتی وکیل و نماینده به طور تضامنی مسئول‌اند» (قانون مدنی مصر ۱۳۸۸: ۲۱۳) و موکل می‌تواند علیه وکیل دوم دعوی مستقیم اقامه کند (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۸۴).

مصدق آخر دعوی مستقیم در حقوق مصر در خصوص بیمه مسئولیت است. در حقوق مصر ماده ۵ قانون بیمه اجباری حوادث ناشی از رانندگی، که اکنون به قانون ترافیک مصوب ۱۹۷۳ انتقال یافته است، بیمه‌گر را مسئول جبران صدمات جسمی واردشده به شخص زیان‌دیده در حوادث رانندگی دانسته و به زیان‌دیده حق اقامه دعوی مستقیم علیه وی را داده است (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۸۰).

در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، علاوه بر موارد مطرح شده در حقوق مصر در خصوص عقد اجاره و مقاوله که به ترتیب در مواد ۱۷۵۳ و ۱۷۹۸ قانون مدنی فرانسه (Starck et al. 1989: 235-326) آمده و در خصوص عقد بیمه که در ماده L. 124-3 قانون بیمه به آن اشاره شده است (Weill & Terré 1980: 946) موارد دیگری نیز وجود دارد. اولاً مطابق ماده ۶۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه و کلاً می‌توانند با اقامه دعوای مستقیم هزینه‌هایی را که صرف اقامه دعوا کرده‌اند و هنوز آن‌ها را از موکل خود مطالبه نکرده‌اند از محکوم علیه دعوا مطالبه کنند (Terré et al. 2005: 1135). ثانیاً طبق ماده ۱ - ۲۱۳ قانون آیین دادرسی اجرای احکام مدنی فرانسه طلبکار نفقه می‌تواند علیه هر یک از بدهکاران فرعی اقدام به اقامه دعوای مستقیم کند (Cabrilac 2016: 406). ثالثاً در امور حمل و نقل دریایی، مطابق ماده ۱۴ قانون شماره ۶۶ - ۴۲۰، ۱۸ ژوئن ۱۹۶۶، درباره منشور دریایی و قراردادهای حمل و نقل، موجر می‌تواند علیه اجاره‌کننده فرعی برای پرداخت کرایه حمل و نقل اقامه دعوا کند (Terré et al. 2005: 1135). رابعاً دعوای مستقیم کارفرمایان علیه بیمه‌گر شخص مسئول برای بازپرداخت کمک‌های کارفرمایی مربوط به هزینه‌های پرداختی به قربانی حادثه در صورت بروز حادثه ناشی از کار (Terré et al. 2005: 1135). خامساً مؤسسات بهداشت عمومی طبق ماده ۱۱ - ۶۱۴۵ قانون بهداشت عمومی فرانسه در برابر بدهکاران بیماران بستری در بیمارستان حق اقامه دعوای مستقیم را برای وصول هزینه‌های مربوطه دارند (Flour et al. 2015: 103). سادساً ماده ۱۹۲۲ قانون مالیات عمومی که به ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مالیاتی انتقال یافته است (Henry et al. 2005: 1986) و به خزانه‌داری عمومی این اختیار را می‌دهد که برای وصول مالیات مالیات‌دهنده علیه هر یک از بدهکاران وی اقامه دعوای مستقیم کند (Terré et al. 2005: 1135).

در حقوق ایران

در حقوق ایران در قوانین تجارت، کار، حمایت از مصرف‌کننده، و قانون بیمه برای دعوای مستقیم مصادیقی پیش‌بینی شده است که به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت. در مواد ۱۷۴ و ۱۵۲ قانون تجارت مصادیقی از دعوای مستقیم بیان شده است و همچنین مصادیقی از این دعوا در زمینه ورشکستگی نیز قابل تصور است.

ماده ۱۷۴ قانون تجارت در این خصوص اعلام می‌کند: «اگر شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شد هر یک از طلبکاران شرکت می‌تواند به هر یک از شرکای سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نماید. مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ‌یک از شرکای سهامی را ندارند». رجوع طلبکاران به شرکای شرکت پس از انحلال آن یک قاعده منطقی و نتیجه زایل شدن شخصیت حقوقی شرکت است (اسکینی ۱۳۹۴: ۱۷۱) و ماده ۱۷۴ قانون تجارت برخلاف ماده ۱۷۳ آن قانون در صورتی اجرا می‌شود که انحلال شرکت مختلط سهامی به دلیلی غیر از ورشکستگی باشد. در این صورت طلبکاران شرکت می‌توانند علیه هر یک از شرکای سهامی، که مبلغ سهام خود را به طور کامل نپرداخته است، دعوای مستقیم اقامه کنند. ماده ۱۵۲ قانون تجارت نیز همانند ماده ۱۷۴ است، اما، در شرکت‌های مختلط غیرسهامی جریان دارد و طلبکاران می‌توانند پس از انحلال شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی علیه شرکای با مسئولیت محدودی که سهم‌الشرکه خود را نپرداخته یا پس از پرداخت مسترد کرده‌اند دعوای مستقیم اقامه کنند.

در موارد یادشده، قانون‌گذار اقامه دعوای مستقیم را منوط به این شرط کرده که شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود. اما دعوای مستقیم در صورت ورشکستگی بدهکار اصلی نیز قابل تحقق است. در حقوق فرانسه این موضوع به این صورت بیان شده است که اگر بدهکار اصلی ورشکسته باشد و دعوای مستقیم علیه بدهکار فرعی اقامه شود، حاصل دعوا وارد دارایی طلبکار می‌شود. در نتیجه وقتی طلب وارد دارایی بدهکار اصلی (ورشکسته) نمی‌شود، پس بین غرما به نسبت طلبشان هم تقسیم نخواهد شد (Cabrilac 2016: 407). به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز این موضوع صادق باشد. چون ماده ۴۱۹ قانون تجارت، که قائم‌مقامی مدیر تصفیه در دعوای ورشکسته را مطرح کرده، ناظر به موردی است که دعوایی علیه شخص تاجر ورشکسته (بدهکار اصلی) اقامه می‌شود، نه دعوایی که علیه مدیون وی (بدهکار فرعی) مطرح می‌شود. مثلاً شخصی قبل از ورشکستگی با خودروی خود به شخص دیگری خسارت وارد می‌کند و بعد از این حادثه ورشکسته می‌شود؛ در این صورت زیان‌دیده با مراجعه به بیمه‌گر شخص ورشکسته خسارت خود را دریافت می‌کند.

در قانون کار نیز تبصره ۱ ماده ۱۳ این قانون اعلام می‌کند: «مطالبات کارگر جزء دیون ممتاز بوده و کارفرمایان موظف می‌باشند بدهی پیمانکاران به کارگران را برابر رأی مراجع قانونی از محل مطالبات پیمانکار، من جمله ضمانت حسن انجام کار، پرداخت نمایند». اگر کارفرما با پیمانکار قراردادی منعقد کند و اجرای آن را به وی واگذارد و از این بابت بدهی به او داشته باشد، کارگرانی که رابطه قراردادی با پیمانکار دارند می‌توانند برای وصول دستمزد خود به کارفرما رجوع کنند (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۶). مشابه این مورد در حقوق مصر نیز وجود دارد.

دعوی مستقیم مصرف‌کننده کالا علیه تولیدکننده نیز با توجه به مواد ۱ و ۲ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ قابل استنباط است؛ با این توضیح که اولاً بند ۲ ماده ۱ قانون یادشده در تعریف عرضه‌کنندگان کالا و خدمات آن را مشمول تولیدکنندگان نیز دانسته است و تفاوتی از بابت این موضوع که کالا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از جانب وی به دست مصرف‌کننده برسد یا نه قائل نشده است، ثانیاً ماده ۲ این قانون همه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات را مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده می‌داند و طبق تبصره ماده ۲ نیز چنانچه خسارت وارده ناشی از عیب یا عدم کیفیت کالا بوده و عرضه‌کننده نسبت به آن آگاه باشد، وی مسئول جبران خسارت دانسته شده است. با توجه به موارد یادشده مصرف‌کننده کالا، که به دلیل عیب یا عدم کیفیت کالا به وی زیانی وارد شده، می‌تواند مستقیم به تولیدکننده آن، که رابطه مستقیمی با وی ندارد، رجوع کند. به دلیل توالی قراردادها در این زمینه، همان‌طور که در مباحث قبل نیز بیان شد، به آن دعوی مستقیم مسئولیت گفته می‌شود. برخی از حقوقدانان نیز ضمن اشاره به مستقیم بودن دعوی مصرف‌کننده علیه تولیدکننده مبنای آن را حمایت قانون‌گذار از مصرف‌کننده معرفی کرده‌اند (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۶ - ۳۷۷).

نهایتاً در حقوق ایران نیز مانند حقوق کشورهای مورد بحث دعوی مستقیم در خصوص بیمه پیش‌بینی شده است. فلسفه جبران خسارت واردشده به زیان‌دیده توسط بیمه‌گر و رجوع مستقیم زیان‌دیده به وی این است که بدون وجود بیمه‌ها سیستم مسئولیت مدنی به‌سادگی از کار باز می‌ماند. چون در برخی از خسارت‌ها مبلغی که باید پرداخت شود از توان مالی شخصی که زیان را وارد کرده خارج است (Cooke 2009: 7). ماده ۳۰ قانون بیمه اجباری خسارت واردشده به

اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، مصوب ۱۳۹۵، که مقرر می‌دارد: «اشخاص ثالث زیان‌دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مراجعه کنند. همچنین، مسبب حادثه می‌تواند با ارائه مدارک لازم جهت تشکیل پرونده پرداخت خسارت به زیان‌دیده حسب مورد به بیمه‌گر یا صندوق مراجعه کند» بیانگر دعوای مستقیم در خصوص بیمه است.

تعارض قوانین در دعوای مستقیم

در حقوق فرانسه به دلیل وجود رویه قضایی فعال دعوای مستقیم نیز از این موضوع متأثر شده و باعث به وجود آمدن برخی تغییر و تحولات در زمینه تعارض قوانین مربوط به قانون قابل اعمال در خصوص دعوای مستقیم شده است.^۱ این تحول که اخیراً نیز به وجود آمده است مربوط به دعوای بیمه است؛ به این صورت که شعبه ۱ دیوان عالی کشور فرانسه در امور مدنی در رأی شماره 14-22.794 به تاریخ ۹ سپتامبر سال ۲۰۱۵ قانون قابل اجرا در قرارداد بیمه را به مثابه قانون قابل اعمال در خصوص دعوای مستقیم مورد توجه قرار داده و از هر گونه مراجعه به قانون محل وقوع خسارت صرف‌نظر کرده بود.^۲ اما در رأی شماره 18-14.827 and 18-18.709 به تاریخ ۱۸ دسامبر سال ۲۰۱۹ با این شرح که^۳ مالک ساختمانی نصب صفحه‌های خورشیدی در پشت‌بام ساختمان خود را به شرکت فرانسوی Espace confort می‌سپارد که از صفحه‌های خورشیدی ساخت شرکت هلندی Scheuten Solar Holding BV استفاده می‌کند و دارای جعبه اتصالی هستند که شرکت هلندی Alrack BV آن را ساخته است. جعبه اتصال در اثر گرم شدن بیش از حد در

۱. مبحث تعارض قوانین و تشخیص قانون قابل اعمال بیشتر مرتبط با حقوق بین‌الملل خصوصی است. در نوشتار حاضر نیز مثالی در این خصوص به صورت اجمالی بیان شده است که صرفاً بیانگر تغییر و تحول به‌وجودآمده توسط رویه قضایی است و علاقه‌مندان می‌توانند برای مشاهده بحث تفصیلی تعارض قوانین فرانسه و هلند و متن کامل آرای صادره در خصوص مثال مطرح‌شده به وبسایت انتشارات Dalloz فرانسه و همچنین وبسایت رسمی دولت فرانسه که در پانوشته‌های آتی به آن‌ها اشاره شده است رجوع کنند.

2. <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000031150080>. (last visited on 2021-05-11).

3. <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/loi-applicable-l-action-directe-en-matiere-non-contractuelle-contre-un-assureur>. (last visited on 2021-05-11).

نهایت باعث آتش سوزی ساختمان می شود. مالک ساختمان و بیمه گر وی علیه شرکت Espace confort و بیمه گر وی که شرکت MAAF است طرح دعوا می کنند. شرکت MAAF نیز برای جبران خسارت خود علیه شرکت Allianz که بیمه گر شرکت سازنده جعبه اتصال است اقامه دعوا می کند که در نهایت دیوان عالی فرانسه در دعوی مطروحه قانون محل وقوع خسارت را برای اعمال دعوی مستقیم مورد توجه قرار می دهد.^۱

آثار دعوی مستقیم

اثر دعوا در ارتباط با بدهکار فرعی

در حقوق مصر، با اقامه دعوی مستقیم، بدهکار فرعی در مقابل طلبکار اقامه کننده دعوا به دو دسته از ایرادات می تواند متوسل شود. دسته اول ایرادات مربوط به طلبکار اقامه کننده دعواست و دسته دوم نیز ایراداتی است که در صورت اقامه دعوا توسط بدهکار اصلی قابل استناد بودند (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۹۲) و بدهکار فرعی زمانی می تواند به ایرادات دسته دوم استناد کند که این ایرادات مربوط به زمان قبل از طرح دعوی مستقیم علیه وی باشد (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۸۴). مثلاً انعقاد قرارداد بیمه بین بیمه گر و بیمه گذار که مقدم بر اقامه دعوی مستقیم است و در صورت طرح دعوی مستقیم توسط زیان دیده علیه بیمه گر، اگر قرارداد بیمه به دلایل مختلف که خارج از این بحث است باطل باشد، بیمه گر یا همان بدهکار فرعی می تواند به این ایراد در برابر اقامه کننده دعوی مستقیم استناد کند. لکن زمانی که این ایرادات مربوط به زمان بعد از اقامه دعوی مستقیم باشد در برابر اقامه کننده دعوی مستقیم قابل استناد نیست؛ مثلاً بدهکار فرعی ایراد وارد کند که بدهی خود را به بدهکار اصلی بعد از اقامه دعوی مستقیم پرداخته یا به تهاتری استناد کند که زمان آن متعاقب اقامه دعوی مستقیم است.

در حقوق فرانسه علاوه بر اشاره به موارد یاد شده (Flour et al. 2015: 104) بر آن اند که دعوی مستقیم دارای اثر احتیاطی است و اقدامی اجرایی محسوب می شود که به صورت متوالی آشکار می شود (Terré et al. 2005: 1141) و اثر احتیاطی باعث بی حرکتی بدهی یا به عبارت بهتر باعث توقیف طلب بدهکار اصلی نزد بدهکار فرعی می شود (Flour et al. 2015: 104). این اثر در دعوی

1. <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000039692118>. (last visited on 2021-05-11).

مستقیم کامل از زمان ایجاد طلب به نفع بدهکار اصلی رخ می‌دهد و با طرح دعوا همچنان ادامه می‌یابد. اما در دعوی مستقیم ناقص از زمان طرح دعوا شاهد این اثر هستیم و چون طلبکار حق را بی‌واسطه از بدهکار فرعی مطالبه می‌کند اقدامی اجرایی محسوب می‌شود (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۷). در حقوق ایران به آثار دعوی مستقیم پرداخته نشده است. اما به نظر می‌رسد آثار یادشده در حقوق مصر و فرانسه در حقوق ایران نیز قابل تصور باشد. مثلاً در خصوص ایرادات قبل از اقامه دعوی مستقیم منشأ ایجاد حق اقامه دعوی مستقیم برای زیان‌دیده همان قرارداد بیمه است. اگر این قرارداد باطل باشد اصلاً حقی برای اقامه دعوی مستقیم برای طلبکار بدهکار اصلی ایجاد نمی‌شود. پس می‌توان به این ایراد استناد کرد. همچنین است ایرادات مربوط به زمان بعد از اقامه دعوی مستقیم. چون وقتی حقی برای طلبکار بدهکار اصلی ایجاد شده است، اگر دعوی مستقیم از نوع دعوی مستقیم کامل باشد، بدهکار فرعی اصلاً حق پرداخت به بدهکار اصلی را ندارد. چون از زمان ایجاد طلب به نفع بدهکار اصلی این طلب به نفع طلبکار بدهکار اصلی توقیف شده محسوب می‌شود و اگر دعوی مستقیم از نوع دعوی مستقیم ناقص باشد، وقتی دعوی مستقیم اقامه شد از این زمان به بعد طلب به نفع طلبکار بدهکار اصلی توقیف شده محسوب می‌شود. پس در هر صورت بدهکار فرعی حق پرداخت نداشته است و در نهایت نمی‌توان به ایرادات بعد از اقامه دعوی مستقیم استناد کرد.

اثر دعوا نسبت به بدهکار اصلی

در حقوق فرانسه، با اقامه دعوی مستقیم علیه بدهکار فرعی، بدهکار اصلی همچنان می‌تواند توسط طلبکار خود خوانده دعوا برای وصول طلب قرار گیرد و از این امر مصون نیست. به عبارت دیگر قانون‌گذار با پیش‌بینی دعوی مستقیم حق اقامه دعوا علیه بدهکار اصلی را سلب نکرده و این امر را به اختیار شخص طلبکار گذاشته است (Buffelan-Lanore et al. 2010: 108) و بدهکار فرعی با پرداخت طلب به طلبکار بدهکار اصلی از بابت طلب خود به بدهکار اصلی بری‌الذمه می‌شود و بدهکار اصلی نیز نسبت به طلبکار خود بری‌الذمه می‌شود (Terré et al. 2005: 1141).

در حقوق مصر نیز موارد یادشده صادق است. اما باید به این نکته توجه کرد که اگر طلب پرداختی به طلبکار اقامه‌کننده دعوا توسط بدهکار فرعی کمتر از میزان طلب طلبکار باشد، وی

می‌تواند برای مابقی طلب خود به بدهکار اصلی رجوع کند (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۹۳). در حقوق ایران فقط به وصف اختیاری بودن این دعوا اشاره شده است (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۷) و موضوع بری‌الذمه شدن بدهکاران اصلی و فرعی نسبت به طلبکاران خود با پرداخت طلب به طلبکار بدهکار اصلی توسط بدهکار فرعی هم امری منطقی و بدیهی است.

همان‌طور که اشاره شد، با اقامه دعوی مستقیم، طلبکار حق اقامه دعوی خود علیه بدهکار اصلی را از دست نمی‌دهد. اما نکته‌ای که در اینجا قابل تأمل است عبارت از این است که آیا عکس این قضیه نیز صادق است؟ به عبارت دیگر، اگر طلبکار ابتدا علیه بدهکار اصلی اقامه دعوا کند و نتیجه نگیرد، می‌تواند علیه بدهکار فرعی اقامه دعوا کند؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد. چون اگر در دعوی بین طلبکار و بدهکار اصلی حکم بر بی‌حقی طلبکار صادر شود، وی اصلاً طلبکار بدهکار اصلی محسوب نمی‌شود که بتواند علیه بدهکار فرعی اقامه دعوا کند. شاید ایراد شود که حکم دارای اثری به نام اعتبار امر قضاوت‌شده است (شمس ۱۳۹۶: ۲۱۵) و برای اینکه حکمی دارای چنین اثری باشد سه شرط اتحاد اصحاب دعوا، اتحاد سبب، و اتحاد موضوع لازم است (کاتوزیان ۱۳۹۶: ۱۶۶ - ۱۶۷) و چون اتحاد اصحاب دعوا در دعوی مستقیم در مقایسه با دعوایی که حکم بر بی‌حقی طلبکار صادر شده وجود ندارد و بدهکار فرعی اصلاً در این دعوا دخالتی نداشته می‌توان علیه بدهکار فرعی دعوی مستقیم اقامه کرد که این ایراد وارد نیست. چون به لحاظ قانونی بین طلبکار اقامه‌کننده دعوی مستقیم و بدهکار اصلی رابطه داین و مدیونی که یکی از شرایط طرح دعوی مستقیم است وجود ندارد.

اثر دعوا نسبت به طلبکار اقامه‌کننده دعوا

در حقوق مصر مهم‌ترین اثر دعوی مستقیم نسبت به طلبکار اقامه‌کننده دعوا عبارت از این است که وی از سایر طلبکاران بدهکار اصلی متمایز می‌شود. چون طلب مورد ادعا مستقیم وارد دارایی طلبکار می‌شود و از دارایی بدهکار اصلی عبور نمی‌کند (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۹۲). این موضوع در حقوق ایران (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۳) و فرانسه (Terré et al. 2005: 1141) نیز صادق است. از آنجا که حق اقامه دعوی طلبکار مطابق همان حقی است که بدهکار اصلی در برابر بدهکار فرعی دارد (Flour et al. 2015: 102) طلبکار می‌تواند فقط در حد حقوق بدهکار خود در این دعوا عمل کند

(Buffelan-Lanore et al. 2010: 108). مثلاً اگر دین بدهکار اصلی به طلبکار خود دومیلیون تومان و دین بدهکار فرعی به اصلی یک میلیون تومان باشد، طلبکار بدهکار اصلی نمی‌تواند برای دومیلیون تومان به بدهکار فرعی رجوع کند. گفتنی است در حقوق مصر به مورد جالبی اشاره شده است که اگر بدهکار فرعی قبل از اقامه دعوی مستقیم ذمه خود را به شخص دیگری حواله داده باشد، طلبکار بدهکار اصلی می‌تواند علیه محال‌علیه اقامه دعوی مستقیم کند (السنهوری ۲۰۰۰: ۹۹۴).

فواید دعوی مستقیم

فوایدی برای دعوی مستقیم در حقوق کشورهای ایران و فرانسه و مصر مطرح شده است که حائز اهمیت است. اولاً، یکی از فواید این دعوا که پیش‌تر به آن اشاره شد ورود مستقیم حاصل دعوا به دارایی طلبکار اقامه‌کننده دعواست که جهت روشن شدن اثر این فایده مثالی نیز در حقوق فرانسه و ایران در فرض ورشکستگی بدهکار اصلی مطرح شد. ثانیاً با توجه به توضیحاتی که در خصوص مصادیق دعوی مستقیم در حقوق کشورهای مورد بحث داده شد دعوی مستقیم باعث جلوگیری از تکرار پرداخت می‌شود و طلبکار حق را بی‌واسطه از مدیون بدهکار خود می‌گیرد (کاتوزیان ۱۳۹۸: ۳۷۷). ثالثاً چون طلبکار این دعوا را به نام و به حساب خود اقامه می‌کند و درخواست صدور حکم به نفع خود می‌کند نه به نفع بدهکار اصلی پس به حضور مدیون اصلی در این دعوا نیازی نیست (السنهوری ۱۳۹۱: ۷۷۵ - ۷۷۶). رابعاً در حقوق مصر از دعوی مستقیم تحت عنوان دعوایی یاد می‌شود که فرایند رسیدن طلبکار به حق خود را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر طلبکار به جای اقامه دعوا علیه بدهکار خود و عدم یافتن مالی از وی، در نهایت، به وصول حقوق و مطالبات بدهکار خود نزد بدهکار وی (بدهکار فرعی) روی می‌آورد، درحالی‌که در دعوی مستقیم از همان ابتدا و مستقیم به بدهکار فرعی مراجعه می‌کند که این وضعیت باعث کاهش اطاله دادرسی می‌شود (ابوالسعود ۱۹۹۴: ۱۸۳). در حقوق ایران نیز طلبکاری که علیه بدهکار خود اقامه دعوا می‌کند، با توجه به تشریفات آیین دادرسی مدنی، باید مقاطع و مراحل مختلف دادرسی را طی کند و با فرض فقدان ایرادات شکلی یا ماهوی و همچنین فقدان طواری دادرسی، اعم از طواری مربوط به ادله و غیر مربوط به ادله، در نهایت وارد مرحله اجرای حکم

شود. در قانون اجرای احکام مدنی نیز تشریفات پیش‌بینی شده و اگر محکوم‌علیه خود مالی نداشته باشد، اما، مالی از وی نزد شخص ثالثی باشد یا طلبی از شخص ثالث داشته باشد، محکوم‌له می‌تواند درخواست توقیف آن را داشته باشد تا از این طریق به حق خود برسد. طی این روند رسیدگی زمان‌بر است و می‌توان با پیش‌بینی دعوای مستقیم در موارد لزوم که رسیدگی به آن‌ها مستلزم طی این مسیر طولانی است جهت کاهش اطاله دادرسی گامی مثبت برداشت. به تبع با کاهش اطاله دادرسی، از حجم دعاوی هم کاسته خواهد شد. چون هر قدر دعاوی سریع‌تر حل و فصل شوند به طبع از کثرت آن‌ها هم سریع‌تر کاسته خواهد شد. به عبارت دیگر کاهش اطاله دادرسی با کاهش دعاوی رابطه مستقیم دارد.

نتیجه

در حقوق فرانسه و مصر آثار و احکام دعوای مستقیم مطرح شده و مورد بحث و بررسی حقوقدانان قرار گرفته است؛ به‌ویژه در حقوق فرانسه که مصادیق متعددی برای این نهاد حقوقی در نظر گرفته شده و در اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه نیز به این نهاد حقوقی به صراحت اشاره شده است. به‌رغم وجود تفاوت‌هایی در خصوص احکام دعوای مستقیم در حقوق فرانسه و مصر، این نهاد آثار یکسانی را در حقوق هر دو کشور یادشده نسبت به طلبکار و بدهکار اصلی و فرعی ایجاد می‌کند. در حقوق ایران دعوای مستقیم به منزله یکی از طرق حمایت از طلبکاران چندان مد نظر حقوقدانان قرار نگرفته است. از طرفی با توجه به وجود مصادیق پراکنده از دعوای مستقیم در حقوق ایران، که از پذیرش این نهاد حقوقی حکایت دارد، قانون‌گذار می‌تواند با پیش‌بینی دعوای مستقیم در قانون مدنی همانند حقوق فرانسه باعث افزایش غنای حقوق تعهدات ایران شود. اما گفتنی است که در این خصوص نباید به ارائه تعریف اکتفا کرد؛ بلکه بیان احکام و آثار این نهاد حقوقی نیز اهمیت دارد که مباحث تطبیقی مطرح‌شده در نوشتار حاضر از این جهت می‌تواند مفید واقع شود.

علاوه بر پیش‌بینی موارد یادشده، همان‌طور که در حقوق مصر مطرح شده، دعوای مستقیم می‌تواند با توجه به مکانیسم خاص خود باعث کاهش اطاله دادرسی شود و چون کاهش اطاله دادرسی با کاهش حجم دعاوی رابطه مستقیم دارد، در حقیقت، مکانیسم این دعوا باعث کاهش

حجم دعاوی در محاکم دادگستری نیز خواهد شد. در این زمینه می‌توان با پیش‌بینی دعوای مستقیم در پرونده‌هایی مانند دعاوی اجتناب مالیاتی یا استنکاف از پرداخت نفقه و همچنین در دعاوی‌ای که از نظر کثرت چالش‌هایی را برای دستگاه قضایی ایجاد کرده‌اند راهی میان‌بُر و مؤثر، هم برای ذی‌نفع دعوای هم برای دستگاه قضایی، ایجاد کرد.



منابع

- ابوالسعود، رمضان (۱۹۹۴). *احکام الالتزام*، بیروت، الدار الجامعیه.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۴). *حقوق تجارت، شرکت های تجاری*، تهران، سمت، ج ۱.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۹۱). *نظریه العقد*، تهران، خرسندی، ج ۲.
- _____ (۲۰۰۰). *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، الجزء الثانی*، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۷). *حقوق مدنی*، تهران، اسلامیه، ج ۱.
- بیات، فرهاد؛ شیرین بیات (۱۳۹۶). *شرح جامع قانون مدنی*، تهران، ارشد.
- سعد، نبیل ابراهیم (۱۹۹۸). *النظریه العامه للالتزام، الجزء الثانی*، بیروت، دار النهضه العربیه.
- سلطان، انور (۱۹۷۴). *احکام الالتزام الموجز فی النظریه العامه للالتزام*، بیروت، دار النهضه العربیه.
- شعاریان، ابراهیم؛ ابراهیم ترابی (۱۳۹۵). *حقوق تعهدات*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی*، دوره پیشرفته، تهران، دراک، ج ۱.
- _____ (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی*، دوره پیشرفته، تهران، دراک، ج ۲.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۸). *حقوق مدنی ۳*، تعهدات، تهران، مجد.
- عراقی، عزت الله (۱۳۹۶). *حقوق کار*، تهران، سمت، ج ۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). *قواعد عمومی قراردادها*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۳.
- _____ (۱۳۹۶). *اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی*، تهران، میزان.
- _____ (۱۳۹۸). *نظریه عمومی تعهدات*، تهران، میزان.

References

- Abu Al Soud, R. (1994). *Principles of Obligation*, Beirut, Al Dar Ol Jamie. (in Arabic)
- Al-Sanhuri, A. (2000). *Al Waseet in Explaining the New Civil Code*, Beirut, Al-Halabi Al-Huquqia Publications, Vol. 2. (in Arabic)
- (2012). *Theory of Contract*, Tehran, Khorsandi, Vol. 2. (in Arabic)
- Araghi, S. E. (2017). *Labour Law*, Tehran, Samt Publication, Vol. 1. (in Persian)
- Bayat, F. & Bayat, SH. (2017). *The Comprehensive Commentary on the Civil Code*, Tehran, Arshad. (in Persian)
- Buffelan-Lanore, Y. & Larribau-Terneyre, V. (2010). *Droit civil-Les obligations*, 12^e,

- Paris, Sirey.
- Cabrillac, R. (2016). *Droit des obligations*, 12^e, Paris, Dalloz.
- Cooke, J. (2009). *Law of Tort*, 9th, Harlow, Pearson Education.
- Emami, S. H. (2018). *Civil Law*, Tehran, Eslamie, Vol. 1. (in Persian)
- Eskini, R. (2015). *Commercial Law Trading Corporations*, Tehran, Samt Publication, Vol. 3. (in Persian)
- Flour, J., Aubert, J. L., & Savaux, É. (2015). *Droit civil. Les obligations*, Vol. 3, Le rapport d'obligation, 9^e, Paris, Sirey.
- Henry, X., Venandet, G., Wiederkehr, G., Jacob, F., & Tisserand-Martin, A. (2005). *Code civil*, 104^e, Paris, Dalloz.
- Katouzian, N. (2016). *General Principles of Contract*, Tehran, Enteshar Publication, Vol. 3. (in Persian)
- (2019). *General Theory of Obligations*, Tehran, Mizan. (in Persian)
- (2019). *The validity of the judgment in a civil lawsuit*, Theran, Mizan. (in Persian)
- Saad, N. E. (1998). *General Theory of Obligation*, Beirut, Dar Ol Nehzat Al Arbia, Vol. 2. (in Arabic)
- Shahidi, M. (2019). *Civil Law-3*, Theran, Majd. (in Persian)
- Shams, A. (2016). *Civil Procedure*, Advanced course, Tehran, Derack, Vol. 1. (in Persian)
- (2017). *Civil Procedure*, Advanced course, Tehran, Derack, Vol. 2. (in Persian)
- Shoarian, E. & Torabi, E. (2016). *The Law of Obligation*, Tehran, S.D.I.L. (in Persian)
- Starck, B., Roland, H., & Boyer, L. (1989). *Droit civil. Obligations*, Vol. 3, régime general (3^e), France, Paris, Litec.
- Sultan, A. (1974). *Principles of Obligation*, Beirut, Dar Ol Nehzat Al Arbia. (in Arabic)
- Terré, F., Simler, P., & Lequette, Y. (2005). *Droit civil. Les obligations*, 9^e, Paris, Dalloz.
- Weill, A. & Terré, F. (1980). *Droit civil. Les obligations* (3^e), Paris, Dalloz.

Websites

- <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/loi-applicable-l-action-directe-en-matiere-non-contractuelle-contre-un-assureur>.
- <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000031150080>.
- <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000039692118>.